

بازنمایی سیدالشهدا علیه السلام در وصیت نامه های شهادی دفاع مقدس استان قم

■ کریم خان محمدی^۱، خدیجه قاضی خانی^۲

چکیده

مطالعه اسناد تاریخی همواره جذابیت دارد، زیرا گذشته آیینی آینده است، به ویژه گذشته نزدیک و آن هم مقاطع حساس بیشتر خود را نمودار می کند و با فرافکنی روند می توان الگویی برای آیندگان ترسیم کرد. از جمله مقاطع متمایز و برجسته در تاریخ ملت ها بازه زمانی جنگ است. دوران جنگ انسان ها را متمایز کرده و افراد درگیر در آن همچون کنشگران مناسک در وضعیت آرمانی سیر می کنند. در واقع جنگ «جماعت واره» یا «درامای اجتماعی» است که بازیگران اصلی آن رزمندگان هستند. تبلور یافتگان جنگ، به ویژه از نوع دفاع، چنان در نقش خود غوطه ور می شوند که برخی از آن ها آگاهانه به شهادت می رسند. شهدای جنگ معمولاً برای خود رسالت فرا زمانی فائل شده و به نگارش وصیت نامه عمومی رو می آورند. نگارش وصیت نامه سیاسی اجتماعی در زمان های دیگر مرسوم نیست، اما رزمندگان در دوران جنگ عمدتاً وصیت نامه می نویسند. در این مقاله با بهره گیری از روش تحلیل مضمون، وصیت نامه های شهدای قم را بررسی کرده و به این نتیجه رهنمون می شویم که در زمان دفاع مقدس چنان وضعیت اسطوره ای و دراماتیک می شود که شهدا با «گرایش ابراهیمی» با داستان کربلا کاملاً هم ذات پنداری می کنند؛ خودشان را یاران امام حسین (ع) و امام خمینی (ره) را حسین زمان و دشمن خمینی (ره) را بیزید تلقی می کنند. از این رو بیشترین مضمون انعکاس یافته در وصیت نامه ها سخنان و سیره امام حسین (ع) است. همچنان که شهید آوینی معتقد بود، هر کس می خواهد شهدا را بشناسد داستان کربلا را بخواند.

واژگان کلیدی

شهدا، امام حسین (ع)، وصیت نامه، دفاع مقدس، قم.

مقدمه

مطالعه اسناد تاریخی برای بشر از اهمیت برخوردار است. از جمله اسناد مکتوب به جامانده از انسان‌های گذشته که قابلیت بسزایی برای مطالعه دارد وصیت‌نامه‌هاست. اهمیت وصیت‌نامه از حیث سندیت به این است که نگارنده عمداً آن را تولید کرده و به سند بودن آن آگاه است. در قسمتی از وصیت‌نامه شهید جمشید صادقی آمده است: «بشکند قلمت ای تاریخ‌نویس، اگر نویسی با امت خمینی (ره) چه کردند» (کمری، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

بنابراین، مطالعه و بررسی وصیت‌نامه‌های شهدا از این حیث اهمیت دارد که نویسندگان آن‌ها علاقه دارند منویات خود را در آن‌ها انعکاس داده و به آیندگان منتقل کنند. در این‌گونه نوشته‌ها مهم‌ترین مسائل اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و سخنان ناگفته دوران حیات نویسنده را می‌توان مشاهده کرد؛ به گونه‌ای که گاه می‌توان با مطالعه آن‌ها به طرز تفکر، نگرش، اعتقادات و حتی چگونگی فعالیتشان در رویدادهای تاریخ‌ساز کشور و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی نیز پی برد و یا در موردشان قضاوت کرد. یکی از روش‌های موفق جهت تفهم یک مقطع خاص تاریخی، به ویژه مقاطع حساس، همچون دوران جنگ، مطالعه اسناد به جای مانده به ویژه اسناد ناطق همانند وصیت‌نامه‌هاست. سؤال اصلی پژوهش این است که چرا حادثه کربلا، به ویژه امام حسین (ع)، بیشترین بازتاب را در وصیت‌نامه‌های شهدای قم داشته و این انعکاس چگونه بوده است.

پیشینه پژوهش

با وجود اهمیت موضوع، درباره وصیت‌نامه‌های شهدای جنگ مطالعات علمی چندانی صورت نگرفته است. هر چند در کتابخانه تخصصی دفاع مقدس می‌توان کتاب‌هایی را مشاهده کرد که با شیوه‌های مختلف در زمینه وصیت‌نامه نگارش یافته‌اند، اما عمدتاً جنبه تحلیلی ندارند؛ از جمله:

۱. کتاب‌هایی با دسته‌بندی موضوع‌های خاص با محوریت وصیت‌نامه‌ها به چاپ رسیده‌اند که فقط بخش‌هایی از آن تعداد محدودی وصایا را بیان می‌کنند، مانند: امام زمان (عج) (گزیده موضوعی وصیت‌نامه شهدا)، رضا شایبهار، چاپ اول، ۱۳۹۲، نشر شاهد، تهران.
۲. کتاب‌هایی که در مورد زندگی و وصیت‌نامه افراد خاصی از قبیل ورزشکاران و افسران و فرماندهان نگاشته شده‌اند، مانند: رویین تنان (زندگی‌نامه و وصیت‌نامه شهدای ورزشکار خوزستان)، تاجیه سواری، چاپ اول، ۱۳۸۴، انتشارات قیام.
۳. کتاب‌هایی که محوریت آن فقط وصیت‌نامه شهید است و این کتاب‌ها در چند سال اخیر نگاشته شده‌اند و مربوط به چند استان خاص‌اند، از جمله: وصیت‌نامه کامل شهدای استان سمنان، پارسا چوپانی و منوچهر اکبری، دوازده جلد، جلد سوم، ۱۳۹۱، نشر شاهد.

در کنار این کتاب‌ها پایان نامه‌هایی نیز در زمینه وصیت نامه شهدا یافت می‌شود، از جمله: انگیزه‌های مؤثر بر شهادت طلبی (بررسی وصیت نامه‌های شهدای آموزش و پرورش استان گیلان)، محمدحسین شاعری، ۱۳۷۷.

تحلیل محتوای وصیت نامه شهدای دانش آموز انقلاب اسلامی در شهرستان نیشابور، طاهره قره باغی، ۱۳۸۰.

این کتاب‌ها و پایان نامه‌ها که با همکاری و حمایت دفتر تحقیق و پژوهش بنیاد شهید انقلاب اسلامی: اداره تحقیقات و مطالعات به ثمر رسیده‌اند، علاوه بر تمایز روشی، با موضوع بحث ما قرابت چندانی ندارند. از این رو، مطالعه وصیت نامه‌های شهدای دفاع مقدس استان قم، بازتاب نهضت عاشورا و سیدالشهدا در آن‌ها از بداعت موضوعی و روشی برخوردار است.

مبانی نظری پژوهش

هویت یک ملت طی فرایند تاریخی و در مواجهه با حوادث مختلف شکل می‌گیرد، اما همه مقاطع تاریخی از ارزش یکسانی برخوردار نیستند. برخی بازه‌های زمانی تاریخی، به دلیل تلاقی با حوادث ویژه، برجستگی خاصی پیدا می‌کنند که این ایام را می‌توان به تعبیر الیاده «زمان مقدس» نامید (Eliade, 2005: 59). از جمله این روزگاران تاریخی، که جامعه‌شناسان برای آن اهمیت ویژه قائل هستند و همواره نقطه عطفی در تاریخ ملت‌ها محسوب می‌شود، دوران جنگ است. ملاحظه تاریخ مکتوب ملت‌ها نشان می‌دهد تاریخ‌نویسان همواره به مقاطع جنگ و تحلیل آن بیشتر پرداخته‌اند. گاهی جنگ به عنوان محرک ملت‌ها نقش بسزایی در تداوم فرهنگی آن‌ها با مرجع اسطوره‌پردازی دارد.

پدیده جنگ را از دو منظر می‌توان نگاه کرد؛ از یک چشم‌انداز نزدیک و سطحی، جنگ مخرب است، اما کسانی که درگیر جنگ می‌شوند از زاویه دید آن‌ها جنگ سازنده است. به هر حال، سرسخت‌ترین صلح‌طلبان عالم نیز جنبه‌های اخلاقی و پیامدهای مثبت آن بر کنشگران را انکار نمی‌کنند؛ «جنگ فضایل حماسی و والا همانند شجاعت، فداکاری، وفاداری و دوستی بین رزمندگان، راستی و دوستی را برمی‌انگیزد. بشریت در تمام تمدن‌های مختلف همواره به فضیلت‌های اخلاقی جنگ واقف و برای آن‌ها ارزش بسیار زیادی قائل بوده است» (بوتول، ۱۳۸۷: ۸۱).

همچنان که مناسک انسان را از وضعیت عادی به وضعیت آرمانی مبدل می‌کند، کنشگران جنگ نیز خود را متعالی می‌پندارند. جنگ به تمام معنا یک مناسک است. به تعبیر ترنر، جنگ یک «جماعت‌واره» یا «درامای اجتماعی»^۲ است. این وضعیت در شرایط

غیرعادی همچون مناسک رخ می‌دهد (مور، ۱۳۸۹: ۲۹۸).

ویژگی بارز جنگ این است که «انسان را از زندگی روزمره‌اش جدا می‌کند. جنگ انسان را در فضای مادی و روانی غیرمعارفی قرار می‌دهد. جنگ قبل از هر چیز منبع شور و هیجانی بی‌نظیر است». به دلیل همین شور و هیجان، افراد درگیر در جنگ خود را در فضای اسطوره‌ای احساس می‌کنند و بلادرنگ وارد دنیای روانی دیگری می‌شوند؛ «در این دنیای جدید، ارزش‌ها دگرگون و طرز تفکرها در معرض تحول واقع می‌شوند». ارزش‌ها و نگرش‌های تبلور یافته در زمان جنگ چنان مهم می‌نمایند که افراد به خاطر آن‌ها مجاهده می‌کنند و در جهت جهان شمول کردن آن‌ها از جان خویش می‌گذرند و «هر عقیده‌ای که شهادت‌ها و فداکاری‌هایی برانگیخته باشند فی‌نفسه واجد ارزش می‌شوند» (بوتول، ۱۳۸۷: ۷۰-۶۶).

مناسک از عناصری تشکیل می‌شود که اوج آن در پدیدهٔ قربانی متبلور است. در جنگ عنصر «فرازمانی» و «فرامکانی» بودن کاملاً متبلور می‌شود و افراد درگیر حس می‌کنند رسالت جهانی دارند و برای تحقق بخشیدن به این رسالت باید جان فشانند. فرمانده خودرأی زبردستان خود را به زندگی معنوی عرفانی دعوت می‌کند و پیروان نیز با همان نگرش معنوی و عرفانی خود را فدای ارزش‌های تولیدشده در فضای متعالی می‌کنند و جنگ، رزمنده و رهبر مقدس تلقی شده و مجاهدان اوج فداکاری را در «قربانی» خویشتن می‌یابند که از این پدیده جامعه‌شناسان با عنوان «گرایش ابراهیمی» نام می‌برند (بوتول، ۱۳۸۷: ۸۵۸۶).

پدیدهٔ گرایش ابراهیمی بدین معناست که رهبر عزیزترین و محبوب‌ترین پیروان را به قربانگاه می‌فرستد و پیروان اوج تسلیم را در شهادت می‌یابند. بنابراین، شهادت، ضمن اینکه ارزش‌ها را تقویت می‌کند، خود نیز به ارزش تبدیل می‌شود. کنشگران جنگ، از آنجاکه خود را در وضعیت متعالی فرازمانی می‌پندارند، معمولاً با کهن‌الگوهای موجود در تاریخ هم‌ذات‌پنداری می‌کنند. این کهن‌الگو به‌طور عام در ادبیات ادیان آسمانی «ابراهیم» است. اما به‌تناسب فرهنگ جوامع متغیر است. در فرهنگ شیعی، امام حسین (ع) جایگزین حضرت ابراهیم (ع) است. در دفاع مقدس (۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تا ۲۹ مرداد ۱۳۶۷) رزمندگان امام خمینی (ره) را حسین زمان تلقی کرده و با یاران امام (ع) هم‌ذات‌پنداری داشتند، حتی طرف مقابل را یزید تلقی می‌کردند (تصریح به تداعی در وصیت‌نامه‌های شهیدان: محمد نوروزی، حسن مهجور، محمد یکتا و حسن قمی کجانی).

شهید احمدعلی امیدی خوزستان را کربلای ایران می‌داند و شهید حسن موسولو جنگ را تحمیل شده از سوی صدام یزید و بعثی صهیونیستی برمی‌شمارد. شهید عباس حکیم حلاج از افراد می‌خواهد در این جنگ علیه صدام یزید و کافران و منافقان شیطان صفت حرکت کنند و امام خمینی را حسین زمان خطاب می‌کند. شهید حسین صبوری هم پیروزی

لشگریان حسین زمان بریزید زمان، یعنی ابرقدرت‌ها و صدام، را آرزو می‌کند. همچنین شهید محمدحسین آیت‌اللهی یزیدیان خون خوار و کافر که اهل بیت را اسیر کردند اجداد صدام و امریکا و دیگر کفار شرق و غرب می‌خواند. شهید محمد سخایی هم جوانان را مانند صدر اسلام جان‌برکف توصیف می‌کند که مشتاقانه و داوطلبانه به جبهه جنگ می‌شتابند تا به ندای هل من ناصر یزیدیان حسین زمان لبیک گویند و پشت یزیدیان را به لرزه درآورند. به تعبیر رضا غلام‌رضایی علوی، این زمان با زمان حسین بن علی (ع) فرقی ندارد و شهید اکبر داداشی دیوکالی هم تأکید می‌کند: «لبیک به ندای هل من ناصر یزیدیان حسین زمان همان لبیک به ندای اباعبدالله الحسین است و عدم جواب به این لبیک یعنی بی‌وفایی و تنها ماندن حسین در کربلا».

بنابراین، رزمندگان یاران امام حسین‌اند و دیگری آن‌ها کسانی هستند که امام را تنها می‌گذارند. امام خمینی (ره) حسین زمان است که درصدد احیای اسلام ناب محمدی (ص) است. دشمنان خمینی کافرند و در استعاره آن‌ها، «صدام» یزید زمان است. البته در سطوح فرهیخته‌تر، صدام، «عبدالله بن زیاد» و امریکا نماد یزید هستند.

رهبر و پیروان در زمان جنگ نقش فرازمانی برای خود ترسیم کرده و احساس رسالت می‌کنند که به نگارش وصیت‌نامه مبادرت کنند. در زمان‌های معمول نگارش وصیت‌نامه اخلاقی‌سیاسی که مخاطب آن عموم مردم باشد اصلاً مرسوم نیست. در زمان متعالی رهبر و رزمندگان در راستای رسالت جهانی به نگارش وصیت‌نامه عمومی رو می‌آورند و آیندگان را مخاطب خویش قرار می‌دهند. آن‌ها درصددند «ارزش‌های متعالی» دوران جنگ را جهان‌شمول و سرمدی کنند. از این جهت است که مقاطع جنگ در فرایند تحولات فرهنگی نقطه عطف محسوب می‌شود. همچنان که امام حسین (ع) وصیت‌نامه مکتوب دارند؛ هذا ما اوصی به الحسین بن علی (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴: ۳۲۹) امام خمینی (ره) نیز وصیت‌نامه سیاسی الهی نوشته و توصیه عام دارند: «امید آن دارم که به فضل خداوند متعال این معانی انسانی به اعقاب ملت منتقل شود و تسلاً بعد نسل بر آن افزوده گردد» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲۱: ۴۵۰).

همچنان که یاران امام حسین (ع)، به مقتضای رسانه آن عصر، رجز خوانده‌اند، رزمندگان ایرانی عمدتاً «وصیت‌نامه» مکتوب دارند. در ذهنیت یاران خمینی (ره)، «دفاع مقدس» بازنمای کربلاست. به تعبیر شهید مرتضی آوینی، «هرکس می‌خواهد ما را بشناسد داستان کربلا را بخواند، اگرچه خواندن داستان را سودی نیست اگر دل کربلایی نباشد. از باب استعاره نیست اگر عاشورا را قلب تاریخ گفته‌اند. زمان هر سال در محرم تجدید می‌شود و حیات انسان هر بار در سیدالشهدا (ع). حب حسین (ع) سِرِّ الاسرار شهداست» (آوینی، ۱۳۷۵: ۲۶۲).

با ملاحظه مطالب مذکور، چند مفهوم همبسته تولید می‌شود که نیاز به تعریف دارد.

الف) وصیت‌نامه

وصیت در لغت به معنی «رساندن چیزی به چیزی است و از این باب به معنای کلامی است که رسانیده می‌شود» (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق: ۱۱۶) یا «دستوری که کسی پیش از مردن به وصی خود بدهد که بعد از مرگ او اجرا کند» (دهخدا، بی‌تا: ۲۰۷ و ۲۰۸) و به معنای «پند، اندرز و سفارش، فرموده و فرمان» هم آمده است (نفیسی (ناظم الأطبای)، ۲۵۳۵: ۳۸۶۷ - ۳۸۶۵). در تعریف اصطلاحی نیز، که قرابت با معنای لغوی دارد، آمده است: «نوشته‌ای که به موجب آن موصی عهده‌ی را بر ورثه خود تحمیل کرده یا طریق تقسیم یا مصرف اموال خود را پس از مرگ تعیین کند. وصیت‌نامه ممکن است به‌طور رسمی یا خودنوشته یا سرّی تنظیم شود و در پاره‌ای مواقع هم شفاهی باشد. در هر حال موصی باید در موقع تنظیم وصیت‌نامه صحت مشاعر خود را حفظ کرده و اراده و اختیار توسط یکی از اشخاص ذی‌نفع از او سلب نشده باشد» (مصاحب، بی‌تا: ۳۱۷۰). در اصطلاحات فقهی وصیت «به سفارش شخص در زمان حیاتش به اموری برای بعد از وفاتش» تعریف شده است (مشکینی اردبیلی، ۱۳۹۲: ۵۹۰). در اهمیت وصیت احادیث بسیاری یافت می‌شود: «وصیت نکردن مایه ننگ این جهان و آتش آن جهان است»^۱ (پاینده، ۱۳۸۲: ۶۲۶ و ۱۱۴۱).

از منظرهای مختلف می‌توان وصیت‌نامه‌ها را گونه‌شناسی کرد. به تناسب مقاله می‌توان گفت وصیت‌نامه به دو گونه خصوصی و عمومی تقسیم‌بندی می‌شود. وصیت‌نامه خصوصی مخاطب خاص دارد و مربوط به امور خصوصی، احوال شخصی و خانوادگی است. اما وصیت‌نامه عمومی یا رسالت‌محور به وصیت‌نامه‌هایی اطلاق می‌شود که مربوط به حوزه عمومی است و مخاطب آن همگان یا عموم مردم هستند. منظور از وصیت‌نامه در این مقاله وصیت عام، همانند وصیت‌نامه شهدای جنگ تحمیلی، است. به نوشته شهید محمد (عباس) پاینده، «وصیت یعنی پیام خون شهادت، پیام رشادت، پیام شهامت، پیام صداقت، پیام که برعکس دیگر پیام‌ها نه به وسیله نوشتار یا گفتار که توسط خون فرستاده و متجلی می‌گردد... پیامی که حاملش خون باشد، آن هم خونی که هرگز خشک‌شدنی نیست، محال است که از بین برود و نابود گردد».

ب) شهدا

شهادت در لغت به معنای گواهی دادن (دهخدا، بی‌تا، ج ۱۰: ۱۴۵۹۳)، کشته شدن در راه خدا، شهید گردیدن (معین، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۰۹۵) آمده است و شهید به کشته‌شده در راه خدا اطلاق می‌شود (دهخدا، بی‌تا، ج ۱۰: ۱۴۶۲). براساس محتوای آیات قرآن، «الشَّهِيدُ الْقَتِيلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» تعریف می‌شود (ابن فارس، بی‌تا، ج ۳: ۲۲۱). «شهید کسی است که در جنگ

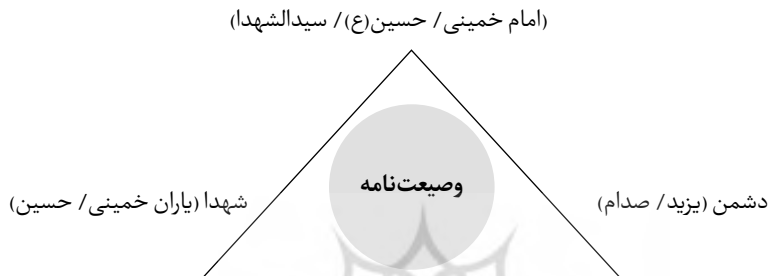
کشته شود و نامیدن او به اسم شهید یا برای حضور فرشتگان بر بالین اوست که اشاره به آیه «تَنْزِلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا» (فصلت: ۳۰) است. فرشتگان به هنگام شهادت بر آن ها فرود آیند و به آن ها می گویند نترسید و اندوه بار نباشید که بهشت مزدگانی شماست. یا اشاره به این آیه دارد: «وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ» (حدید: ۱۹) شهیدان در پیشگاه خداوند هستند و پاداششان از ایشان است. یا این معنا مدنظر است که شهید و شهداء در حالت شهادت تمام آنچه از نعمت ها برای آن ها آماده است مشاهده می کنند و یا به این دلیل است که ارواحشان در پیشگاه خدا حاضر می شوند و گواه بر آن ها هستند، چنان که خداوند می فرماید: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا» (آل عمران: ۱۶۹) (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۵۶).

در روایات نیز به این کلمه و مفهوم آن فراوان پرداخته شده است که در اینجا به ذکر یک روایت بسنده می شود: «قال رسول الله (ص): فوق كل ذي بر بر حتى يقتل في سبيل الله فاذا قتل في سبيل الله فليس فوقه بر. برتر از هر نیکی نیکی دیگری هست تا آنکه انسان در راه خدا کشته شود. آن گاه اگر در راه خدا کشته شد دیگر چیزی برتر از آن نیکی نخواهد بود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۵۳).

ج) سیدالشهدا

حُسَيْن بن علی بن ابی طالب (زاده ۳ شعبان ۴ ه. ق / ۹ یا ۱۰ ژانویه ۶۲۶ م در مدینه - درگذشته ۱۰ محرم ۶۱ ه. ق / ۱۰ اکتبر ۶۸۰ م در کربلا) فرزند علی بن ابی طالب و فاطمه زهرا و نوه محمد بن عبدالله، پیامبر اسلام، است. ایشان امام سوم شیعیان و پدر سلسله امامان شیعه دوازده امامی، و کنیه شان ابا عبدالله است. حسین (ع) روز عاشورا در نبرد کربلا شهید شد (پیشوایی، ۱۳۷۹: ۱۴۵-۱۴۳) و به همین خاطر شیعیان وی را «سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ» می نامند. در جوامع روایی تا زمان امام صادق (ع)، سیدالشهدا لقب حمزه، عموی پیامبر (ص)، است. امام حسین (ع) در اولین خطبه اش در برابر سپاه کوفه فرمود: «تأمل کنید که آیا کشتن و هتک حرمت من برایتان حلال است؟ مگر من پسر دختر پیامبرتان (ص)، و پسر وصی و پسر عموی و جزو اولین ایمان آورندگان به خدا و تصدیق کننده رسولش در آنچه از طرف پروردگارش آورده نیستم؟ آیا حمزه «سیدالشهدا» عموی پدرم نیست؟ آیا جعفر طیار شهیدی که دو بال دارد عمویم نیست؟ مگر این قول شایع به گوش شما نرسیده که رسول الله (ص) در مورد من و برادرم فرمود: "این دو سرور جوانان اهل بهشت اند" (ابو مخنف کوفی، ۱۳۸۰: ۱۴۹). عبدالله بن عباس درباره سخن خداوند: "والذین قتلوا فی سبیل الله" (محمد: ۴) می گوید: "آنان، به خدا سوگند، حمزه «سیدالشهدا» و جعفر طیار هستند" (حسکانی، ۱۳۸۱: ۳۰۴).

در کتاب کامل الزیارات از زبان امام صادق (ع) لقب «سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ» به امام حسین (ع) انتقال یافته است. در این باره تحت عنوان «الباب السابع و الثلاثون ما روی أن الحسين (ع) سید الشهداء» روایاتی نقل شده است، از جمله «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) زُورُوا الْحُسَيْنَ (ع) وَ لَا تَجْفُوهُ فَإِنَّهُ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ وَ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۱۰۹). امروز در میان شیعیان، برخلاف شهرت روایی، وقتی واژه سیدالشهدا به کار می‌رود امام حسین (ع) به ذهن تبادر می‌کند.



بنابراین، مطالعه بازنمایی امام حسین (ع) در وصیت‌نامه‌های شهدای جنگ تحمیلی از این حیث اهمیت دارد که می‌تواند نشان دهد شهدا چه آرمان‌هایی داشتند، با چه انگیزه‌هایی و با چه سازوکاری خود را در معرض شهادت قرار دادند، چه ابعادی از امام حسین (ع) در ذهنیت شهدا برجسته بوده و در وصیت‌ها انعکاس یافته است.

روش پژوهش

این پژوهش با الهام از روش تحلیل مضمون سامان می‌یابد که از روش‌های کارآمد در تحقیق کیفی جهت تحلیل معنا به صورت منظم است. این روش فرایندی برای تحلیل داده‌ها و تبدیل آن‌ها به اطلاعات غنی و تفصیلی است. تحلیل مضمون الگوی موجود در داده‌ها را نشان می‌دهد (Braun & Clarke: 2006).

تحلیل مضمون فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است. در این روش داده‌های متنی پراکنده و متنوع به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌شود (عابدی، تسلیمی، فقیهی و شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۵۳). به‌طورکلی، تحلیل مضمون روشی است برای:

- الف) دیدن متن (وصیت‌نامه‌های شهدای قم)؛
- ب) برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط (تمرکز بر گونه‌شناسی مطالب)؛
- ج) تحلیل اطلاعات کیفی (دسته‌بندی و استخراج فراوانی)؛

د) مشاهده نظام مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ (امام حسین، امام خمینی، رزمندگان)؛
ه) تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی (استخراج نمودار) (Boyatzis, 1998: 4).

مراحل انجام کار

فرایند تحلیل مضمون در این تحقیق در طی چند مرحله به سرانجام می‌رسد.

۱. مطالعه محتوای وصیت نامه‌ها

داده‌های اولیه این نوشتار با مراجعه به اسناد مکتوب موجود در مرکز اسناد کل کشور فراهم آمده است که در قالب دی‌وی‌دی با عنوان وصیای شهدای دفاع مقدس موجود است. هر شهید دارای صفحه‌ای است با کد شناسایی که در ذیل آن، وصیت نامه‌ها در قالب ورد و تایپ شده قرار دارند. مبنای اصلی پژوهش برپایه ۱۶۶۱ مورد وصیت نامه شهدای دفاع مقدس استان قم شکل گرفته است. در مرحله اول تمام وصایا مطالعه شده است.

۲. کدگذاری اولیه

در این مرحله مضامین وصیت نامه‌ها به تناسب ارتباط با حادثه کربلا و امام حسین(ع) استخراج و دسته‌بندی می‌شوند. در واقع، مضامین پایه مرتبط از مجموع وصیت نامه‌ها با علامت‌گذاری و بازبینی‌های مجدد به مقوله موضوعی تبدیل می‌شوند. در راستای جمع‌آوری داده‌ها با مطالعه توصیف‌گونه وصیت نامه‌های شهدای دفاع مقدس استان قم، اهتمام بر بازتاب وقایع نهضت عاشورا در این دست نوشته‌ها بوده است؛ وقایع تاریخی‌ای که در ذهن شهدا نقش بسته و بر حیات اجتماعی آن‌ها تأثیر نهاده بود.

۳. جست‌وجو و شناخت مضامین

در این مرحله با توجه به کدگذاری‌های صورت‌گرفته در مرحله قبل، بر روی کدهای اولیه تحلیل جزئی صورت می‌گیرد و تمامی داده‌های کدگذاری شده ذیل عناوین کلی‌تر که مفاهیم انتزاعی هستند قرار می‌گیرند. هدف از این مرحله شناسایی عبارت‌های مرتبط باهم و جلوگیری از تکرار مضامین و تفکیک آن‌ها از یکدیگر است. ساختار ارائه مطالب نیز براساس بسامد بازتاب‌ها تنظیم شده است. همچنین به دلیل گستردگی محتوای وصیت نامه‌ها و مشکل محدودیت استناددهی، از آن جهت که این وصیت نامه‌ها هنوز در کتاب مستقلی یافت نمی‌شوند که بتوان به آن‌ها ارجاع داد، در متن به موارد بارز وصیت نامه‌ها یا آن‌هایی که نوشتارشان کامل تر است یا از زیبایی خاصی برخوردارند

اشاره می‌شود. در این مرحله مجموعه مضامین پایه زیر عنوان یک مضمون جهت‌دهنده مقوله‌بندی می‌شود.

۴. گونه‌بندی

در این مرحله تلاش می‌شود با تحلیل محتوا، داده‌های کیفی مقوله‌بندی شده در سطح جهت‌دهنده به مضامین فراگیر قابل تحلیل تبدیل شوند. از این روی، در پردازش و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار maxqda استفاده شده است.

در ارائه آمار، یک بار تعداد دقیق شهادایی که به مطالب نهضت عاشورا اشاره داشتند لحاظ شده است که با رنگ آبی نمایش داده می‌شود و یک بار نسبت به مجموع ۱۶۶۱ شهید دارای وصیت‌نامه‌اند که با رنگ قرمز نشان داده می‌شود و هر دو در یک نمودار آماری ترسیم می‌شوند. تفاوت درصدها از این معیار ناشی می‌شود.

این گونه‌بندی در جهت تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی برای سهولت دریافت مضامین متمرکز بر سیدالشهدا (ع) است. در واقع، برای اینکه پژوهش در قالب مقاله کیفی ارائه شود، زیرتیتراها بر حسب مضامین جهت‌دهنده تنظیم شده و در قالب دو نمودار با عنوان فراگیر بازتاب «سخنان» و «نهضت» سیدالشهدا جمع‌بندی شده است.

چگونگی بازتاب نهضت سیدالشهدا (ع)

در بررسی وصیت‌نامه‌های شهدای استان قم می‌توان تأثیرپذیری این شهدا از واقعه عاشورا در دفاع از انقلاب و پیروی از امام خمینی (ره) را فهم کرد. آنچه از حوادث نهضت امام حسین (ع) در وصیت‌نامه این شهدا بازتاب یافته است می‌توان براساس فراوانی این‌گونه ارائه کرد:

۱. استناد به سخنان امام حسین (ع)

توجه به سخنان امام در حوادث مختلف نهضت حسینی بیشترین بازتاب از تاریخ نهضت عاشورا را در وصیت‌نامه‌های شهدای استان قم با ۳۲۴ مورد استناددهی به خود اختصاص داده است. در بررسی آماری خردتر، عبارات بازتاب یافته به نقل از امام حسین (ع) براساس فراوانی چنین هستند:

الف) یاری خواهی: عبارت معروف «هل من ناصر یصرنی» به بیان‌های گوناگون در نوشته‌های شهدا بازنمایی شده است و بیشترین فراوانی را در وصیت‌نامه ۱۸۱ تن از شهیدان به خود اختصاص داده است.

شهید مجتبی عابدی سقا نوشته است: «حسین جان، آن‌قدر فریاد هل من ناصر یصرنی ات نافذ بود و آن‌چنان تنهایی ات در آن تفتیده دشت برهوت دلمان را به آتش کشید

که اکنون در لبیک به تو ای وارث رسولان، همه صعب‌ها و سختی‌ها را با لذت ایثار بر دوش خواهیم کشید». شهید علی اکبر خلیلی از فراموش نکردن این ندا سخن گفته است و مهدی عسگری فردویی از خانواده خود می‌پرسد: «آیا می‌شود جواب فرزند پیامبر (ص) و ندای هل من ناصر ی نصرنی او را نادیده گرفت؟». شهید رضا بهنیا نیز نوشته است: «خدای ناکرده آن‌طور نباشیم که وقتی امام حسین(ع) در صحرای کربلا گفت هل من ناصر ی نصرنی فقط علی اصغر در گهواره گفت لبیک».

در باور شهدا، لبیک به ندای امام خمینی (ره) با پاسخ به ندای امام حسین(ع) همانند دانسته می‌شود. چنانچه شهید عوض حمزه پور می‌نویسد: «اعتقاد ما این است که هر زمینی کربلاست و هر روزی عاشوراست و هر جنگی که بر ما تحمیل شود بیکاری علیه امام حسین(ع) است». در باور شهیدانی چون نصرالله اکبری «امام می‌دانست که دیگر کسی نیست او را یاری دهد و این سؤال خطاب به من، به تو، به او و تمام نسل‌ها و عصرها و قرن‌هاست»؛ پاسخی که پیامدهایی چون زنده نگاه داشتن دین و رهایی انسان از ظلم را در پی می‌داشت، چنانچه شهیدان اسماعیل حبیبی، حسین خان احمدی و محمد نیکان به آن اشاره کرده‌اند.

مستند یاری خواهی امام حسین(ع) را می‌توان با عبارات «هَلْ مِنْ ذَابٍ يَدُبُّ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) هَلْ مِنْ مُوَحِّدٍ يَخَافُ اللَّهَ فَيَنَا هَلْ مِنْ مُغِيثٍ يَرْجُو اللَّهَ بِإِعَانَتِنَا هَلْ مِنْ مُعِينٍ يَرْجُو مَا عِنْدَ اللَّهِ فِي إِعَانَتِنَا» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۱۶؛ حلی، ۱۳۸۰: ۲۵۰) «هل من ناصر ی نصرنی؟» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۲) در منابع یافت.

ب) ذلت ناپذیری: ایستادگی در برابر ظلم و ستم و تن به ذلت ندادن در مقابل دشمنان از جمله اهدافی است که شهدا به تبعیت از اباعبدالله(ع) آن را مدنظر قرار داده و به آن سفارش می‌کنند. این ذلت ناپذیری را ۴۵ شهید استان قم با عبارات‌های گوناگون در وصیت نامه‌هایشان بازتاب داده‌اند.

شهید محمدحسین چشمه‌ای این سخن امام را در وصیت نامه‌اش چنین بازتاب داده است: «ما در این راه باک هیچ چیز را نداریم. زیرا ما اگر کشته شویم پیروزیم و اگر بکشیم پیروزیم. هیئات منا الذله، نه! نه! هرگز زیر بار ذلت نخواهیم رفت». شهید محمدحسن مشرفیان نیز از امام چنین نقل کرده است: «وای بر ما اگر تن به ذلت بدهیم. خواری و ذلت از ما دور است و خدا و رسول (ص) و مردم پرهیزگار مرا ذلیل نمی‌خواهند».

شهید علّت ایستادگی‌شان در مقابل دشمن را پیروی از این سخن امام حسین(ع) می‌دانند. به تعبیر شهید مرتضی سعادت خوش، «دانشجویان دانشگاه اباعبدالله(ع) ندای هیئات منا الذله را از سرورشان امام حسین(ع) درس گرفتند». شهیدان سید عبدالله میراحمدی، علی کوه پیما فردویی و عباس (محمد) پاینده تأکید کرده‌اند که می‌خواهند ندای هیئات منا الذله

حسین (ع) را جامه عمل بیوشانند. شهید اسماعیل قرنلی بیان می‌کند: «ما از رهبرمان امام حسین (ع) آموخته‌ایم مرگ با عزت را به زندگی با ننگ ترجیح می‌دهیم». آنان نه تنها خود از این مشی امام پیروی می‌کنند، بلکه همچون شهید مهدی منصوری دیگران را نیز به تبعیت از آن سفارش می‌کنند. شهید حسن کارآمد پیشه می‌نویسد: «حسین‌گونه مرگ با عزت را بر حیات ننگین ترجیح بدهید». شماری از شهدا همچون عباس (محمد) پاینده معتقدند آنان که خود را طرف‌دار حسین (ع) می‌دانند باید راه او را ادامه دهند، چرا که به نوشته شهید علی رحیمی بلطاقی، طبق آموزه‌های مکتب اباعبدالله الحسین (ع) حسینیان همیشه با یزیدیان در نبردند و نباید زیر بار ظلم و جور حکومت‌های فاسد و جنایت‌کار رفت. شهید یدالله طالب حقیقی تأکید کرده است: «برای گسترش اسلام در سطح جهان و دستیابی به آزادی کامل و رهایی مستضعفان تا آخرین نفس و تا آخرین قطره خون در راه هدف با دشمنان مبارزه خواهیم کرد». پیام شهدا را می‌توان در وصیت‌نامه شهید مجتبی اویسی فردویی دید که خطاب به دشمنان و منافقان می‌گوید: «اگر در بیابان‌ها هزار مرتبه قطعه‌قطعه شود با هر قطره خونس صدا می‌زند هیاهات من الذله».

منابع تاریخی سخنان ذلت‌ناپذیری امام حسین (ع) را می‌توان در موارد متعدد رصد کرد. امام به برادرش محمد حنفیه فرمود: «لو لم یکن فی الدنیا ملجا ولا ماوی لما بایعت یزید بن معاویه» (ابن نما حلی، ۱۳۸۰: ۲۶ و حسینی موسوی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۱۵۸). عبارات ذلت‌ناپذیر امام در جواب قیس بن اشعث نیز چنین گزارش شده است: «لا والله لا اعطیهم بیدی اعطاء الذلیل ولا اقر اقرار العبید» (ابو مخنف کوفی، ۱۴۱۷: ۲۰۹؛ مفید، ۱۴۱۳ الف، ج ۲: ۹۸؛ ابن حیون، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۴۹). همچنین ایشان در برابر سپاه عمر سعد فرمود: «ألا وان الدعی ابن الدعی قدر کزنی اثنتین؛ بین السله و الذله و هیاهات من الذله» (مسعودی، ۱۴۲۶: ۱۶۶؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۹۷).

ج) استقبال از شمشیرها: از عباراتی که می‌تواند به‌وضوح استناد به امام حسین و الگوگیری از ایشان را نشان دهد عبارت «فیاسیوف خذینی» است که در وصیت‌نامه‌ها ۳۲ مورد را به خود اختصاص داده است. شهدا با تمسک به این عبارت سینه خود را، با هدف زنده نگاه داشتن حق و اعلام وفاداری نسبت به امام حسین (ع) و صادر شدن اسلام به جهان، آماده آماج گلوله‌های دشمن می‌کنند و مهیا شدن برای شهادت را تالی‌تلو حرکت سیدالشهدا (ع) و تحقق آرمان‌های آن حضرت می‌دانند. شهید حسن کارآمد پیشه نوشته است: «چقدر دردناک بود آن موقعی که امام حسین (ع) دید دیگر سخن گفتن برای مردم فایده‌ای به حال آن‌ها نخواهد داشت، لذا مخاطب خویش را شمشیرها قرار داد و فرمود: "ان لم یستقم دین محمد الا بقتلی فیاسیوف خذینی: ای شمشیرها به‌خاطر حفظ دین پیامبر اسلام (ص) مرا

تکه تکه کنید». شهید سید مصطفی قانع نیز با بیان نقلی شبیه عبارت شهید کارآمد در ادامه به بیان استعاری می نویسد: «ما هم اعلام می کنیم که ای امریکا، ای شوروی، ای کفتارهای خون آشام، اگر دین حسین (ع) جز با کشته شدن ما پایدار نمی ماند، پس ای کاتیوشاها، ای خمپاره ها، ای گلوله ها، ای مین ها، مرا دربرگیرید؛ زیرا هرچند که بارها زنده شویم باز کشته شویم می خواهیم دین حسین (ع) پایدار بماند».

شهید علی اسحاقی فرد گلوله ها و خمپاره ها را به سمت خود فرامی خواند تا درخت انقلاب بروید و شاخ و برگ یابد و با ثمر شود تا نسل های آینده از این ثمره درخت انقلاب استفاده کنند. شهید علی رضاییان می نویسد: «اگر با کشته شدن این ملت و این بسیجیان دین اسلام به تمام جهان صادر می شود، پس همه را دربرگیرید». شهید غضنفر غلامی نیز با ذکر این عبارت منسوب به امام بیان می دارد: «ای بعضی های خائن، اگر با ریختن خون من و اگر با بریده شدن سرم و با قطع دستم و پاهایم و تکه تکه شدن اعضایم اسلام با خون من آبیاری می شود و با ریختن خونم راه کربلا باز می شود، ای گلوله ها و سرنیزه ها و سلاح های گرم و یا هر وسیله که دارید، مرا دربرگیرید».

در استناد این سخن به منابع باید گفت هرچند در وصیت نامه شهدا این سخن منتسب به حضرت اباعبدالله الحسین (ع) شده است، اما شاهی بر آن یافت نشد. گفته شده است این عبارت برگرفته از قصیده شاعر اهل بیت علیهم السلام محسن ابوالحب است (داودی و رستم نژاد، ۱۳۸۷: ۲۶).

د) سعادت پیشگی مرگ: شهادت (مرگ در راه خدا) نزد شهدا از ارزش برخوردار بوده است و شهدا سعی کرده اند با الهام از سخنان امام حسین (ع) به بیان های متفاوت آن را گوشزد کنند. ۲۶ شهید این سخنان را در وصیت نامه هایشان بازتاب داده اند.

شهید محسن امینی نگاشته است: «امام حسین (ع) فرمود: انی لا اری الموت الا سعاده و الحیاه مع الظالمین الا برما؛ همانا من مرگ را جز سعادت و عزت، و زندگی با ظالمین را جز خواری و ذلت نمی بینم». شهید رضا سادوند و شهید احمد موحدیان قمی نیز نوشته اند: «وصیت حسین (ع) به خواهرش زینب (س) است که می فرماید: خواهرم غصه ندارد. آماده کشته شدن من باش. مرگ حق است، امروز یا فردا، چه بهتر که در راه خدا کشته شوم». شهید محمد صفایی حائری نیز این قسمت از کلام امام را بازتاب داده است: «الموت خیر من رکوب العار» و شهید مهدی منصوری به این حدیث اهتمام داشته است: «موت فی عز خیر من حیاه فی ذل».

شهدا، با بیان سخنان سرشار از بزرگی روح و کرامت انسانی سید و سالار شهیدان (ع)، می خواهند بیان کنند که پیرو مولایشان حسین بن علی (ع) هستند. شهید علی رضا

حسین علی بیگی زنده بودن انسان را در این دنیای فانی به حرکتش می‌داند، پس چون امام خود به مرگ می‌نگرد و از جهاد در راه خدا نه تنها باکی ندارد، که رستگاری خود را در آن می‌بیند. شهید مسلم بیطرفان زیستن در کنار ظالمان را بر نمی‌تابد و آن را خواری و حقارت و ذلت می‌شمارد. شهید محمد باکمال از همه ملت می‌خواهد که اجازه ندهند دشمنان اسلام آنان را به زیر سلطه خود درآورند. شهید علی‌رضا حسینی معتقد است: «خون بر شمشیر پیروز است و آزاد زیستن را به همراه دارد». با این تفکر است که شهید مهدی منصوری به مخاطبان وصیت‌نامه‌اش سفارش می‌کند: «این سخنان امام حسین (ع) را سرمشق خود قرار دهند و آن‌ها را به فراموشی نسپارند». شهید محسن امینی تأکید می‌کند: «باری را که شهدا بردوش تک‌تکمان گذارده‌اند به مقصد برسانید و از زیر بار این مسئولیت بزرگ شانه خالی نکنید». شماری از شهدا نیز با بیان بعضی از این احادیث از خانواده‌های خود می‌خواهند که در شهادت عزیزان خود صبر و استقامت به خرج دهند و غمگین نشوند و راه شهدا را ادامه دهند.

مستند این سخنان امام را در منابع گوناگون می‌توان یافت؛ برای مثال، آمده است: «امام در نخستین برخورد با سپاه حر در منطقه ذو حسم فرمود: "انی لا اری الموت الا سعادة و الحياه مع الظالمین الا برماً"» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۶۸؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۲۷۶). همچنین از امام نقل شده است که در میدان جنگ خطاب به دشمنان فرموده است: «الموت خیر من رکوب العار» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۶۸، ۱۱۰؛ علی بن عیسی اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۲، ۳۶). چنانچه بیان شده است ایشان در جواب حر این بیت را فرمود: «سَأْمُضِي فَمَا بِالْمَوْتِ عَارٌ عَلَيَّ الْفَتَى إِذَا مَا نَوَى حَقًّا وَ جَاهِدَ مُسْلِمًا» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۵۴؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۶۹، ۹۶).

البته در این میان شهید اسماعیل قرنلی به نقل از امام حسین (ع) نوشته است: «اشرف الموت قتل الشهاده: شرافتمندترین مرگ‌ها شهادت است»، در حالی که این حدیث نقل شده از پیامبر (ص) است (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷: ۸). شهید مجید پاریا و نیز به نقل از امام نگاشته است: «ان الحیوه عقیده و جهاد» و شهید محمد صفایی حائری نیز آورده است: «اینکه امام (ع) صراحتاً می‌فرماید: زندگی توأم است با عقیده و جهاد به خاطر این است که بفهماند انسان معتقد نمی‌تواند زیر بار ستم برود و نیز نشانگر این است که همیشه در طول تاریخ دو طیف حق و باطل بوده است که هر دو یک خط‌مشی بخصوصی داشته است». شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «این جمله که به نام امام حسین (ع) مشهور شده در هیچ مدرکی از مدارک اسلامی چنین جمله‌ای از امام حسین (ع) نقل نشده است. معنای این جمله هم درست نیست و با منطق امام حسین (ع) جور در نمی‌آید. منطق اسلام این نیست، زندگی این است که انسان یک عقیده‌ای داشته باشد و در راه عقیده‌اش جهاد کند. در اسلام

صحبت عقیده نیست، صحبت حق است. زندگی این است که انسان حق را پیدا کند و در راه حق جهاد کند. این مسئله که در راه عقیده باید جهاد کرد یک فکر فرنگی است که بعدها در میان مسلمین آمده است» (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۰۹).

ه) رضایت از تقدیر الهی: سخنان امام حسین (ع) در خصوص رضایت از تقدیر الهی از جمله مواردی است که در وصیت نامه ده تن از شهدای قم بازتاب یافته است. شهید قدرت الله رحمانی نوشته است: «امام حسین (ع) در لحظات آخر سر به سجده گذاشت و فرمود: الهی رضا بقضائک و صبرا علی بلائک و تسلیم لامرک یا غیاث المستغیثین» و شهید مجید دلجو یادآور شده است: «جمله آخر امام حسین (ع) را در نظر داشته باشید که می فرمودند: الهی رضا بقضائک تسلیم لامرک لا معبود سواک یا غیاث المستغیثین». شهید حسین علی محمدی براساس آموزه رضایت به تقدیر الهی نوشته است: «بنا به گفته امام حسین (ع)، خود را برای تحمل رنج ها و مصیبت ها و ناکامی ها و ناروایی ها آماده سازید و دل قوی دارید که قادر یکتا پشتیبان و نگهدار شماست و تنها اوست که شما را از شر دشمنان نجات می بخشد و عاقبت شما را به خیر می گرداند و دشمنان شما را به انواع عذاب ها و شکست ها دچار می گرداند».

برخی از شهدا سپردن سرنوشت خویش را به دست خداوند الهام گرفته از سخنان امام حسین (ع) در واقعه عاشورا می دانسته اند. در تأیید این سخن از شهید رضا شعبان زاده آمده است: «هنگامی که سیدالشهدا (ع) برای جنگ آماده می شد به خانواده مکرمه اش چنین گفت: این مصیبت ها و سختی ها زودگذر و تمام شدنی است. ولی به پاداش این جان فشانی ها، فداکاری ها به نعمت های ابدی و بی پایان خداوندی خواهید رسید و بر سر پرکرامت و بزرگواری تکیه خواهید زد و اگر می خواهید در مقام و عظمت شما خللی وارد نشود، هیچ گاه زبان به شکایت نگشایید و آنچه را که از قدر و منزلت شما می کاهد بر زبان نیاورید». باینکه منبع استنادی سخنان این دو شهید به امام حسین (ع) یافت نشد، اما می توان دریافت که ایشان با چه رویکردی خود را تسلیم تقدیر الهی می دیدند. همچنین در منابع معتبر عبارت «الهی رضی بقضائک...» یافت نشد.

و) دیگر سخنان حضرت (ع): در بررسی متن وصیت نامه شهدای قم می توان بازتاب سخنان دیگری را از امام حسین (ع) مشاهده کرد.

سخن از هدف قیام ابا عبدالله (ع) از دید شهدا دور نمانده است. هرچند تعداد اشاره به آن دو مورد بیشتر نیست، اما بیان کننده آن است که این موضوع برایشان از اهمیت برخوردار بوده است که به ذکر آن پرداخته اند. شهید مصطفی عباسی مقدم هدف از قیام امام را

سرلوحه عملکرد خویش قرار می‌دهد و می‌نویسد: «حسین (ع) اعلام می‌کند: ببینید به حق عمل نمی‌شود». شهید محسن بیابانی مظلوم قمی نیز از قول امام حسین (ع) آورده است: «پروردگارا تو می‌دانی که من مشتاق اصلاح دین تو هستم و خواستار آبادی شهرها و آزادی مردم و نمی‌خواهم که بندگان مظلوم تو در دست ستمگران به اسارت دچار شوند».

این شهدا با اشاره به این احادیث هدف خود را از جنگیدن در راه خدا مشخص می‌کنند که هدفشان همان هدف مولایشان حسین (ع) است؛ عمل شدن به حق و اینکه نمی‌خواهند بندگان مظلوم در دست ستمگران به اسارت دچار شوند هدف غایی شهداست. شهید مصطفی عباسی مقدم در قسمت‌هایی از وصیت‌نامه‌اش آورده است: «انگیزه‌ای که این‌ها را برانگیخته همان عشق به حسین (ع) و یاری مظلوم و مظلومان جهان است... مواظب باشید که دینی در مقابل خون شهدا نداشته باشیم. حق خون شهدا جهاد در راه خداست، برداشتن اسلحه به جای مانده برادر غرق به خونت. سلاح را بردار و به پیش تاز که این شب ظلمانی و تیره فجر و طلوع خورشیدی در پیش دارد... بدانید هدف هدفی است که از پیامبر خدا تا حسین (ع) اعلام می‌کند؛ اعلام می‌کند: ببینید به حق عمل نمی‌شود. ای انسان‌ها کوشا باشید که شما باید رسالت خونین حسین (ع) خویش را انجام دهید و انتقام خون حسین (ع) را از یزیدیان زمان بگیرید. خون حسین (ع) در طول تاریخ می‌جوشد و نمی‌گذارد ظالمان و دشمنان اسلام يك نفس بکشند».

به گزارش منابع، امام این سخنان را در مسیر کربلا در جمع لشگریان حر در منطقه ذو حسم بیان داشت: «الَّا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ» (ابن حیون، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۵۰؛ حسن بن نصر حلوانی، ۱۴۰۸: ۸۸؛ علی بن عیسی اربلی، ۱۳۸۱، ج ۳۲: ۲).

در بین احادیث بیان شده از امام حسین (ع) در وصیت‌نامه‌ها سخنی است که زیبایی مرگ را به تصویر می‌کشد. دو شهید به این سخن اشاره کرده‌اند. شهید عباس غفاری فردویی نوشته است: «خط الموت علی ولد ادم مخط القلاده علی جید الفتاه؛ مرگ برای فرزندان آدم آن چنان زیباست که گردن بندی در گردن دختری زیبا جلوه کند».

منبع این سخن را می‌توان در منابع کهن به هنگام حرکت امام حسین (ع) از مکه یا در شب عاشورا یافت (ابن حیون، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۴۶؛ شریف الرضی، ۱۴۲۲: ۱۹۹؛ مفید، ۱۴۱۳، ب: ۷۱).

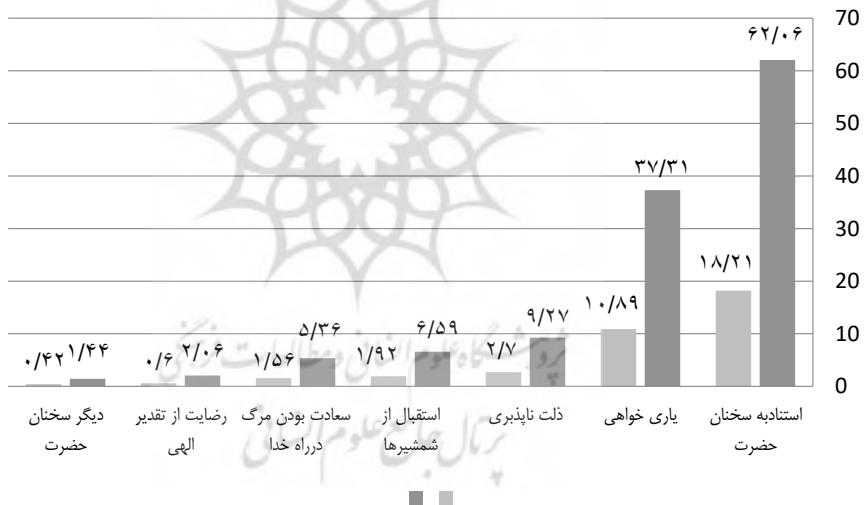
در وصیت‌نامه شهدا مطالبی از امام راجع به دنیا نیز دیده می‌شود. این قسمت اشاره دو شهید را داراست. شهید فرج‌الله رضازاده آورده است: «مردم بنده دنیا هستند. دین لعبی است که تا زندگی روبه‌راه است به دور زبان گردند و چون دوران آزمایش رسید دین داران کمیاب شوند». شهید سید محمود موسی نژاد با الهام از امام حسین دنیا را زندان توصیف کرده است:

«به هنگام شهادت من، گفته‌ی سرور شهیدان حسین بن علی (ع) را یاد آر آن‌گاه که فرمود: دنیا زندان مؤمن است و مرگ پلی است برای انتقال وی از سرا و پرواز به حیات جاویدان».

منابع تاریخی این سخنان امام را می‌توان در ورودشان به کربلا (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۴۵؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۱۱۷) و یا در روز عاشورا خطاب به یارانشان (علی ابن بابویه، ۱۴۱۴: ۵۲؛ علی ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲۸۹؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۵۳) مشاهده کرد.

در بین احادیث بیان شده از سیدالشهدا (ع) یک حدیث تک‌موردی وجود دارد که در وصیت‌نامه‌ی شهید جعفر کرمانی بازتاب یافته است: «امام حسین (ع) فرمودند: هر کس که شهیدی داد به بستگان او بگوید که برای من گریه کنند».

این سخن در منابع کهن از حضرت سکینه (س) گزارش شده است که از پدرشان بعد از شهادت شنید: شِيعَتِي مَا اِنْ شَرِبْتُمْ رَيَّ عَدْبٍ فَادْكُرُونِي اَوْ سَمِعْتُمْ بِغَرِيبٍ اَوْ شَهِيدٍ فَانْدُبُونِي (كفعمی، ۱۴۰۵: ۷۴۱؛ نورالله بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱: ۹۵۸؛ موسوی المقرم، بی‌تا: ۳۰۸، ۳۰۷).



نمودار ۱. بازتاب سخنان امام حسین (ع) در وصیت‌نامه‌ها

۲. بازتاب مسئله شهادت

شهادت امام حسین (ع) و یارانش در نوشتار شهدا بازتابی چشم‌گیر داشته است و ۹۸ مورد را به خود اختصاص داده است.

شهید محمدتقی حاج کاظمی از خانواده‌اش این‌گونه خواسته است و از خدا تمنا کرده است: «به جای گریه برای من، برای تنهایی و غربت آقا حسین (ع) گریه کنید که در صحرا ی کربلا لب تشنه شهید شد. خدایا من عاجزانه از تو تقاضا می‌کنم که من هم با لب تشنه شهید

شوم، زیرا که مولای من این طور شهید شد و دست‌هایم قطع و فرقم شکافته شود، زیرا که ابوالفضل العباس این‌گونه به شهادت رسید و بدنم سوراخ سوراخ شود، زیرا که حسین (ع) در صحرای کربلا بدنش به وسیله نیزه یزیدیان سوراخ سوراخ گردید». شهید جعفر نیکوکلام هدف و آرزویش را از بودن در جبهه‌ها این‌گونه سروده است: «دیدم باشد به نام نامی رهبر بمیرم / پس چه بهتر چون حسین از تیر و از خنجر بمیرم* دوست دارم تشنه لب باشم به هنگام شهادت / جرعه‌ای نوشم ز دست ساقی کوثر بمیرم». شهید غلام حسین حامدینیا نیز این‌گونه خواسته است: «مرا غسل ندهید و کفن نکنید، چون رهبرم حسین (ع) نه کفن داشت و نه غسل».

همچنان که ملاحظه می‌شود، شهدا چنان با سیدالشهدا (ع) هم‌ذات‌پنداری دارند که گاهی متغیر رهبر زنده حذف و خود را یاور حسین می‌پندارند؛ تلاش می‌کنند دل‌ها را متوجه مظلومیت امام و یاران و خبثت یزیدیان کرده و شور و شعور حسینی را در جامعه بازتاب بخشند؛ با نگارش وصیت سعی می‌کنند آموزه‌های عصر خویش را جهان شمول و سرمدی کنند. به تعبیر شهید علی لطف‌علی‌زاده قمی، «بنویس ای قلم، بنویس تا در تاریخ ثبت شود و توای تاریخ، آن را در خود جای ده و آنچه حق است ضبط کن که اگر تو نیز حق را انکار کنی روزی رسوا خواهی شد».

الف) بدعهدی برخی یاوران: پیوند کوفه با نهضت عاشورا چنان است که یادآوری نهضت حسینی تداعی‌کننده بدعهدی کوفیان خواهد بود؛ کوفیانی که امام را به شهر خویش خواندند اما به وقت عمل فرزند فاطمه (س) را یاری نکردند. ضمن آنکه برخی از نزدیکان امام نیز انتظار حضورشان در کربلا می‌رفت که این‌گونه نشد. در وصیت‌نامه‌های شهدای قم ۴۵ شهید از این بدعهدی‌ها یاد می‌کنند که نشان‌دهنده اهمیت آن در نگاه این شهدا بوده است.

آنچه از مضمون نوشته‌های شهدا در وصیت‌نامه‌ها پیرامون آغاز سفر امام حسین (ع) به دست می‌آید همراهی نکردن برخی یاران و دوست‌داران امام (ع) با ایشان است. شهدا در این زمینه برای کسانی که اندیشه‌هایشان به تنهایی رهبر جامعه منجر می‌شود تصویری از تنهایی اباعبدالله (ع) به واسطه بی‌خردان جامعه ترسیم می‌کنند؛ آنجا که شهید مصطفی ابراهیمی یزدی بیان می‌دارد: «آن متقی‌نمایی که در عصر امام معصوم (ع)، به عنوان اینکه به تقوای آنان خللی وارد نشود، حسین (ع) را تنها گذاردند و خواهان آن‌اند که جوامع مسلمان از این امر برحذر باشند، چرا که بعضی از آنان به گمان دین‌داری حسین (ع) را تنها گذاردند؛ اما تنهایی دلیلی برای عدم انجام وظیفه آن‌هم از جانب ولی خدا نیست». شهید احمدعلی صالحی به این نکته با این ظرافت اشاره می‌کند: «آیا امام حسین (ع) موقعی که حرکت کرد نگاه کرد ببیند که فلانی چون دفاع از اسلام نمی‌کند پس من هم نمی‌کنم؟ خیر. هر کس برای

خود وظیفه‌ای دارد که باید به آن عمل کند». در میان مطالب اشاره شده به امام حسین (ع) قسمت‌هایی مشاهده می‌شود که مربوط به کوفه و کوفیان است. در این بخش بیشتر به جنبه اعتقادی کوفیان پرداخته می‌شود و کوفیان با الفاظی چون «بی‌وفا» و «سست‌عنصر» و «مشرك و منافق» توبیخ می‌شوند. وصیت نامه شهدا دعوت از امام حسین (ع) و یاری نکردن ایشان را ننگی می‌شمارد که تا ابد از پیشانی کوفیان پاک نخواهد شد. ترسیم «آینده‌ای ناخوش» برای کوفیان بدعهد تصویری است که شهید احمد عسگری نیستانک از تاریخ ثبت شده پیرامون عاقبت کوفیان بیرون کشیده و به آن اشاره کرده است.

شهدا مردمان کوفه را عبرتی برای مردمان عصر خود و آیندگان دانسته‌اند تا بار دیگر خطای آنان تکرار نشود. آن‌ها سعی می‌کنند، با شرح تاریخ و بیان عملکرد کوفیان، حس مسئولیت‌پذیری مردم را در قبال رهبرانقلاب بالا برده و از ایشان در مقابل دشمنان حمایت کنند؛ همان‌گونه که شهید علی اصغر آقایی می‌نگارد: «اگر ما امام و انقلاب را یاری نکنیم، هیچ فرقی با مردم اهل کوفه آن زمان نداریم؛ زیرا آن‌ها اباعبدالله (ع) را یاری نکردند». می‌توان گفت آنچه برای رزمندگان از ارزش زیادی برخوردار است پای بندی به عهد و پیمانی است که با رهبر خود بسته‌اند. شماری از شهیدان همچون اکبر داداشی دیوکلابی و هدایت‌الله اکبری رکن آبادی با شبیه‌سازی انقلاب خمینی با قیام حسینی معتقدند: «چرا به ندای رهبرمان لبیک نگوییم که ما خود با تظاهرات علیه طاغوت و دادن شهدای بسیار خواستار ورود مبارکش به ایران شدیم و اگر بخواهیم بی‌تفاوت باشیم مانند مردم کوفه هستیم که امام حسین (ع) را دعوت کردند و امام حسین (ع) مسلم را به کوفه فرستاد با او بیعت نموده و سپس بیعت را شکستند. ما مردم کوفه نیستیم که امام را دعوت کنیم و سپس او را تنها بگذاریم. ما با مال و جان و برادران خود برای اسلام و خدا جان می‌دهیم».

شهید محمدتقی جعفری کافی آبادی تأکید می‌کند: «مبادا هوای کوفیان بر شما غالب گردد و همان‌گونه که حسین را تنها گذاشتند شما هم امام را تنها بگذارید». شهید مهدی آقاجانی متذکر شده است: «مبادا مانند مردم کوفه باشید و امام عزیزمان را تنها بگذارید و خون‌های شهدا را با این عمل ناپسندیده پایمال کنید که آن روز روز از بین رفتن اسلام و قرآن و پرچم سرافراز جمهوری اسلامی و احیای کفر و استکبار است... اگر صحنه را ترک نمایید دشمنان در کمینگاه ایستاده‌اند و آماده‌اند تا از کوچک‌ترین لغزش‌های شما استفاده کنند و ضربه‌ای به پیکر انقلاب که پیکر اسلام است وارد کنند و دوباره به همان وضع اولی شما را استعمار کنند».

ب) الهام‌گیری از قیام عاشورا: الهام از عاشورا و بصیرت نسبت به چرایی قیام اباعبدالله (ع) باعث مبارزاتی علیه طاغوتیان شده است. انقلاب ایران و مقاومت مردم در جنگ

هم به گونه‌ای وام‌دار خون پاک شهیدان کربلاست. ۴۱ مورد بازتاب این مسئله در نوشته‌های به یادگارمانده از فرزندان دفاع مقدس در قم دلیل روشنی بر این ادعاست.

شهید محمدتقی امین قیام عاشورا و دستاوردهایش را این‌گونه قلم زده است: «تاریخ صحنهٔ پیکارهای خونین و رشادت‌ها و مجاهدت‌های زیادی را دیده و از سرگذشت قیام‌ها و انقلاب‌هایی که در جهان به وقوع پیوسته است، خاطره‌های شورانگیز و حماسه‌بخش و غرورآفرین و جاودانه‌ای به یاد دارد. قهرمانان فداکار و جان‌برکف و رهبران و پیشاهنگان شکوه‌آفرین و بزرگان‌دیش زیادی را در دامن خود پرورده است که هرکدام در یک روزگار و زمانی و در یک منطقه و مکانی قد برافراشته و در راه دفاع از اصالت‌ها و کرامت‌ها و ارزش‌های متعالی انسانی، در راه برقراری اخوت جامعه و تحکیم نظام قسط، مساوات، عدالت، زدودن جور و تبعیض و جنایت، در راه تکمیل مکارم اخلاق انسانی و در راه پیش‌برد اهداف والا و ارجمند بشر دوستی، تحقق ایمان و آرمان‌های خدایی خویش، تلاش‌ها و کوشش‌ها کرده است؛ اما صحنهٔ پرشکوه و نمایش عظیم و معنادار و عمیق و الهام‌بخشی چون کربلا و امام و پیشوای شهادت آرمان‌خداگونه‌ای چون حسین (ع) و پیام جاودانه و حیات‌آفرینی چون عاشورا را هرگز به یاد ندارد. جویبار خون که از زخمگاه پیکرهٔ شهیدان تشنه‌لب در بیابان تفتیده و سوزان کنار فرات جاری شده بود همواره و تا همیشه تاریخ و هر روز مواج‌تر و خروشناک‌تر از پیش بر گسترهٔ زمین جریان دارد و پیام خون شهیدان را در گوش جان‌ها زمزمه می‌کند و شور و شوق شهادت را در دل انسان‌ها زنده می‌کند و بر هر کوهساری ارغوان خون‌رنگ عشق می‌رویاند و... حسین (ع) رهبری است که به آزادگان جهان راه و رسم شهادت می‌آموزد و به قهرمانان درس اخلاص و پاک‌بازی می‌دهد؛ خلق‌ها را به دفاع از حقیقت‌ها فرامی‌خواند و به محکومان نظام‌های جور و جاهلیت چگونه مردن را یاد می‌دهد و فلسفهٔ قیامش را در مکتب خویش تبیین می‌کند. حسین (ع)، آن ابرمرد تاریخ اسلام، حج را از مکه به کربلا آورد و سراپا تسلیم و رضا در برابر دوست در عید عاشورا به قربانگاه خویش آمد... تا صبح با ذکر و دعا و عبادت و شور و شوق شهادت گذراندند تا صبح نمایش حج حسینی را برگزار کردند و چه پرشکوه و عظیم است حجتی که حسین (ع) در کربلا انجام می‌دهد». شهید محمد طهماسبی هم این تفکر را که جهاد مختص صدر اسلام و خاصه سال ۶۱ هجری بوده است با توجه به حکمت خداوند بی‌پایه می‌خواند و تداوم جنگ و جهاد را یادآور می‌شود.

می‌توان گفت چرایی قیام عاشورا و تبعیت از درس‌های آن برای شهدا از اهمیت برخوردار است، چرا که خود را دانشجویان دانشگاه ابا عبدالله (ع) می‌دانند و دفاع مقدسشان را در راستای قیام ایشان؛ پس به طرق گوناگون دیگران را نیز به این تبعیت فراخوانده تا به خون‌هایی که برای آبیاری اسلام ریخته شده است خیانت نشود و آزاد زیستن و حریت فراموش نشود.

بازنمایی سیدالشهدا علیه السلام در وصیت نامه های شهدای دفاع مقدس استان قم ۱



نمودار ۲. بازتاب نهضت سیدالشهدا در وصیت نامه ها

بحث و نتیجه گیری

بررسی وصیت نامه ۱۶۶۱ تن از شهدای دفاع مقدس استان قم نشان می دهد بیشترین بازنمایی تاریخی را عصر سیدالشهدا (ع) و خاصه نهضت عاشورا، با ۴۸۵ مضمون پایه، به خود اختصاص داده است. از آنجاکه مذهب کشور ایران اسلام شیعی بوده و مهم ترین شخصیت اسطوره ای ایرانیان که به دلیل ذلت ناپذیری به شهادت رسید امام حسین است، این حضرت مضمون اصلی با بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. بنابراین، در گرایش ابراهیمی شهدای دفاع مقدس، امام خمینی (ره) همان امام حسین (ع) است.

مضامین فراگیر استخراج شده از بازتاب نهضت عاشورا در وصیت نامه ها را، که نشان دهنده اهداف و آرمان آن هاست، براساس فراوانی می توان چنین رصد کرد: الف) آموزه های حسینی با ۳۲۱ مورد بسامد شامل مضمون های «یاری خواهی»، «ذلت ناپذیری»، «سعادت بودن مرگ در راه خدا»، «استقبال از شمشیر»، «سعادت پیشگی مرگ» و «رضایت به تقدیر» در رتبه اول قرار دارد.

ب) مسئله نحوه شهادت امام و یارانش نیز با ۹۸ مورد بازتاب در ردیف دوم قرار می گیرد. ج) اشاره به بدعهدی بعضی افراد و همراه نشدنشان با امام نیز با تعداد ۴۵ مورد بازتاب در ردیف سوم قرار دارد.

د) الهام گیری از نهضت عاشورا نیز با ۴۱ مورد بازتاب در جایگاه بعدی قرار دارد. بنابراین، مقاومت و ذلت ناپذیری امام در برابر ظلم و استبداد مهم ترین بُعد از حادثه عاشورا است که منبع الهام شهدا قرار گرفته است.

منابع و مأخذ

- آوینی، سید مرتضی (۱۳۷۵). **گنجینه آسمانی**. تهران: کانون فرهنگی هنری ایثارگران با همکاری مؤسسه فرهنگی هنری روایت فتح.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳). **معانی الأخبار**. ترجمه علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴). **اعتقادات الإمامیه (للسدوق)**. قم: کنگره شیخ مفید.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). **الأمالی (للسدوق)**. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. تهران: کتابچی.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۴۰۹). **شرح الأخبار فی فضائل الأئمه الأطهار**. ترجمه محمدحسین حسینی جلالی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). **تحف العقول**. ترجمه علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹). **مناقب آل أبي طالب**. قم: علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸). **اللهوف علی قتلی الطفوف**. ترجمه احمد فهري زنجانی. تهران: جهان.
- ابن فارس، احمد بن فارس (بی تا). **معجم مقاییس اللغة**. ترجمه عبدالسلام محمد هارون. ج ۳. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). **کامل الزیارات**. به تصحیح عبدالحسین امینی. نجف اشرف: دارالمرتضویه.
- ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی (۱۳۸۰). **نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا ترجمه وقعه الطّف**. ترجمه جواد سلیمانی. به تصحیح یوسفی غروی و محمد هادی. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی (۱۴۱۷). **وقعه الطّف**. ترجمه محمد هادی یوسفی غروی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). **کشف الغمه فی معرفه الأئمه**. ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی. تبریز: بنی هاشمی.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۶۸). **صحیفه نور**. تهران: مؤسسه نشر آثار.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله (۱۴۱۳). **عوامل العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد)**. ترجمه محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی. قم: مؤسسه الإمام المهدی.
- بوتول، گاستون (۱۳۸۷). **جامعه‌شناسی جنگ**. ترجمه هوشنگ فرخجسته. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). **نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص))**. تهران: نشر دنیای دانش.

پیشوایی، مهدی (۱۳۷۹). **سیره پیشوایان**. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
حسکانی، عیبدالله (۱۳۸۱). **شواهد التنزیل (سیمای امام علی در قرآن)**. ترجمه یعقوب جعفری. قم: اسوه.

حسینی موسوی، محمد بن ابی طالب (۱۴۱۸). **تسلیه المُجالس و زینه المُجالس (مقتل الحسین (ع))**. ترجمه کریم فارس حسون. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
حلوانی، حسین بن محمد بن حسن (۱۴۰۸). **نزهه الناظر و تنبیه الخاطر**. قم: مدرسه الإمام المهدی (عج).

حلی، ابن نما (۱۳۸۰). **در سوگ امیر آزادی (ترجمه مشیر الأحران)**. ترجمه علی کرمی. قم: حاذق.
حلی، ابن نما (۱۴۰۶). **مشیر الأحران**. قم: مدرسه امام مهدی.

خمینی موسوی، روح‌الله. **وصیت‌نامه الهی سیاسی**. بازیابی شده در: <https://www.khamenei.ir>
داودی، سعید و مهدی رستم‌نژاد (۱۳۸۷). **عاشورا (ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها و پیامدها)**. قم: امام علی بن ابی طالب (ع).

دهخدا، علی اکبر (بی‌تا). **لغت‌نامه دهخدا**. ج ۱۰ و ۴۹. تهران: دانشگاه تهران.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن**. ترجمه غلام‌رضا خسروی. تهران: مرتضوی.

شریف الرضی محمد بن حسین (۱۴۲۲). **المجازات النبویه**. ترجمه مهدی هوشمند. قم: دارالحدیث.
عابدی جعفری، حسن و محمدسعید تسلیمی و ابوالحسن فقیهی و محمد شیخ‌زاده (۱۳۹۰). **تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی**.

اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۱۰: ۱۵۱-۱۹۸. **انسانی و مطالعات فرهنگی**
علامه مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). **بحار الانوار**. ج ۴۴. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۰۵). **المصباح للكفعمی (جنه الأمان الواقیه)**. قم: دارالرضی (زاهدی).

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). **الکافی**. ترجمه علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کمری، علیرضا (۱۳۸۹). **حرمان هور (دست‌نوشته‌های شهید احمد رضا احدی)**. تهران: سوره مهر.
مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۶). **اثبات الوصیه**. قم: انصاریان.

مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۹۲). **مصطلحات الفقه و معظم عناوین الموضوعیه**. قم: دارالحدیث.
مصاحب، غلام حسین (بی‌تا). **دایره‌المعارف فارسی**. ج ۲. بی‌جا: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). **انسان کامل**. تهران: انتشارات صدرا.

- معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ معین. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ الف). المسائل العکبریه. قم: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ب). الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید.
- مور، جری دی (۱۳۸۹). زندگی و اندیشه بزرگان انسان شناسی: مقدمه‌ای بر نظریه پردازان و نظریه‌های انسان شناختی. ترجمه جعفر احمدی و هاشم آقابیک پوری. تهران: جامعه‌شناسان.
- موسوی المرقم، عبدالرزاق (بی تا). مقتل الحسین (ع). تهران: الدراسات الاسلامیه.
- نفیسی (ناظم الأطبأ)، علی اکبر (۲۵۳۵ شاهنشاهی). فرهنگ نفیسی. ج ۳. بی جا: خیام.
- Boyatzis, R. E. (1998). **Transforming qualitative information: Thematic analysis and code development.** sage.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. **Qualitative research in psychology**, 3(2), 77-101.
- Eliade, M. (2005). **The myth of the eternal return, or, Cosmos and history.** Princeton university press.

